

است که این امکان را دارد تا بین وزارتخانه های مختلف ارتباط برقرار کنند.

در شرایط کنونی، این کار را وزارت رفاه انجام می دهد، اما چون ۲ سال بیشتر از عمر این وزارتخانه نمی گذرد، قطعاً این فرصت را پیدا نکرده است که برنامه ریزی ها و سیاستگذاری های لازم را انجام دهد. اما جدا از نبود نظارت فرابخشی، مشکل دیگر، ضعف خود معلولین است. هنوز آن جی اوها و تشکل های این گروه به آن حد از رشد و یگانگی نرسیده اند که بخشی از این نظارت فرابخشی را برعهده بگیرند.

#### ■ مقدمه (نماینده انجمن باور):

من فکر می کنم یکی از مهمترین دستاوردهای قانون معلولان، این باشد که دیگر زبان معلولان در هنگام مراجعه به سازمان ها و وزارتخانه های مختلف، زبان درخواستی نیست، بلکه به صورت مطالبه یک حق است. اما این که چرا اجرایی شود، من می پذیرم که بخشی

#### ■ ابوالقاسم نجفی: این قانون

باید یک ضمانت اجرایی هم داشته باشد

مبنی بر این که اگر کسی آن را اجرا نکرد

چگونه تنبیه شود

■ سهیل معینی: پیشنهاده من تشکیل ستاد

هماهنگی برای پیگیری قانون

جامع حمایت از حقوق معلولان است

■ محمدرضا دشتی: میثاق نامه ای تنظیم شده

که نهادهای غیردولتی در حوزه معلولان در حال

پیوستن به آن هستند

از آن به کم رنگ بودن نقش نهادهای غیردولتی برمی گردد. به اعتقاد من، این موضوع هم به علت آگاهی کم دوستان معلول از وجود چنین قانونی است و هم به دلیل تکثر قانونگذاری بدون هیچ کارشناسی. اگر نگاه تاریخی داشته باشیم، می بینیم که ۱۷ سال پیش، یعنی در سال ۶۳، اولین ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای افراد معلول جسمی و حرکتی در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به تصویب رسید. در سال ۷۹ هم آئین نامه ای به تصویب رسید که براساس آن، تمام دستگاههای اجرایی دولتی، سازمان های غیردولتی و مالکان ساختمان های با مصرف عمومی موظف شدند اماکن و ساختمان ها را براساس ضوابط مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری، حداکثر ظرف یکسال، برای افراد معلول مناسب سازی کنند. اما الان ۶ سال از آن تاریخ می گذرد و هیچ اتفاقی نیفتاده است. جالب این که در ماده ۲ قانون جامع حمایت از حقوق معلولین نیز مصوب شده که ظرف سه سال، هر سال ۳۰ درصد، از ساختمان های عمومی باید مناسب سازی شود. همانطور که می بینید، ما کمبود

مصوبه و قانون نداریم، بلکه این جای کارشناسی و برنامه ریزی و تعیین بودجه از سوی قانونگذاران است که در قوانین ما خالی است.

در کل به نظر من، الان از یک سو باید معلولان خودشان را باور کنند و وارد عرصه شوند، از سوی دیگر از قانونگذاران تقاضا دارم که به جای تکرار مصوبات و آیین نامه ها، زمان اجرای آن را براساس کارشناسی تعیین کنند.

**\*\* با توجه به مطرح شدن نقش آن جی اوها این که باید بتوانند بخشی از نظارت بر قانون کار بر عهده بگیرند، سؤالی که مطرح می شود این است که اصلاً نقش نهادهای غیردولتی در قانون حمایت از معلولان چیست؟**

■ دشتی (نماینده مؤسسه حمایت سبز پارسیان): جایگاه و نقش نهادهای غیردولتی در قانون جامع معلولان به طور مشخص و شفاف پیش بینی نشده است. شاید یکی از دلایل این موضوع، شناخته نبودن جایگاه سازمان بهزیستی به عنوان متولی اصلی معلولان در جامعه است. این که آقای معینی می گویند این سازمان نمی تواند نظارت اجرایی داشته باشد، نشان می دهد وظایفی که به بهزیستی محول شده، در جایگاه درستی قرار نگرفته است. از سوی دیگر، خود سازمان های غیردولتی نیز در جامعه ما شناخته شده نیستند و من فکر می کنم به زمان زیادی نیاز داریم تا آن جی اوها به یک تمرکز و همبستگی برسند و ما بتوانیم شبکه سازمان های غیردولتی مربوط به معلولین را داشته باشیم.

**\*\* با توجه به این که نقص های هر قانون معمولاً در زمان اجرای آن مشخص می شود، نقص های قانون جامع حمایت از معلولان و راهکارهای برطرف کردن آن، از نظر شما چیست؟**

#### ■ نجفی:

من فکر می کنم در ارتباط با قانون معلولین باید یک مقدار منصف باشیم. هر قانونی برای اجرایی شدن نیاز به زمان و تمرین کار مشارکتی دارد. تشکل های غیردولتی می توانند بازوی اجرایی قانون باشند، از سوی دیگر سازمان ها و وزارتخانه ها نیز باید به این باور برسند که بایستی قانون را اجرا کنند.

در حال حاضر برخی سازمان ها و وزارتخانه ها به علت مشکل بودجه از اجرای قانون امتناع می کنند. زیرا قسمت های زیادی از قانون، نیاز به اعتبارات دارد. مثل نیم بها شدن تسهیلات ورزشی، شهریه دانشجویان و .... کاری که ما تا به حال در کمیته اجرایی قانون معلولان انجام داده ایم، این بوده که به کلیه ستادهای مناسب سازی در سطح کشور اعلام کرده ایم که از نمایندگان سازمان های مختلف بخواهند بودجه سال آینده شان را در رابطه با بحث مناسب سازی پیش بینی کنند. ما نمی توانیم یک وزارتخانه را مجبور به مشخص کردن اعتبارات کنیم. بهزیستی یک سازمان است و تنها می تواند در حد اطلاع رسانی عمل کند.

ما همچنین قرار است جلساتی را با دفتر تأمین اجتماعی سازمان مدیریت در رابطه با اجرایی شدن این قانون از نظر اعتباری داشته باشیم که اگر این جلسات ادامه پیدا کند، فکر می کنم بتوانیم بخش عظیمی از مشکل اعتبارات موردنیاز بهزیستی و سازمان های دیگر را برطرف کنیم.

بینید مشکل این قانون باید از بالا برطرف شود، یعنی برای یک وزیر این باور ایجاد شود تا بتواند به معاونین و زیرمجموعه اش هم این باور را در زمان بودجه بندی ها و برنامه ریزی ها القا کند.

از سوی دیگر، این قانون به اعتقاد من باید یک ضمانت اجرایی هم داشته باشد، مبنی بر این که اگر کسی آن را اجرا نکرد، چگونه تنبیه شود، مثلاً تعیین شود چنانچه مهندس ناظری یک ساختمان را ساخت و مناسب سازی نکرد، چگونه باید با او برخورد شود. در کنار این قضیه هم باید در نظر داشته باشیم که به هر حال ما قانون داریم و سازمان های دولتی موظفند که آن را اجرا کنند و اگر این کار را نکردند، می توان از آنها شکایت کرد.

من امیدوارم که با انجام این کارهای مشارکتی و تخصیص اعتبار، بتوانیم تا ۵ سال آینده، بیشتر مواد قانون را به اجرا دربیآوریم.

#### ■ مقدمه:

در مورد صحبت دوستان که اشاره کردند نظارت باید از بالا به پائین باشد، من فکر می کنم، ما به فشار از پائین هم نیاز داریم که همان فرهنگ سازی است. ما مشکل قانونی نداریم، بلکه باید این باور را در مردم ایجاد کنیم که معلولیت یک شانس برابر است که ممکن است برای هرکسی اتفاق بیافتد.

#### ■ معینی:

با توجه به صحبتی که دوستان در رابطه با فرهنگ سازی داشتند، من می خواهم به یک نکته اشاره کنم و آن این است که سازمان های غیردولتی نباید منتظر باشند که دولت کاری انجام دهد، آنها باید خودشان وارد عرصه شوند. حتی بخشی از ضعف قانون معلولان، به این خاطر است که از درون تشکل های غیردولتی بیرون آمده و فرصت انجام کارشناسی بر روی آن نبوده است. بخش دیگر از ضعف قانون، از جمله ماده ۱۶ که پاشنه آشیل آن است، دقیقاً به این خاطر است که قانون به صورت طرح در مجلس تصویب شد و چون طرح قانونی نباید بار مالی داشته باشد، موادی که بار مالی داشتند، تعدیل و حذف شدند، به همین دلیل قانون در حال حاضر ساختار پیوسته ای ندارد.

**\*\* در حال حاضر، بهترین راهکار اجرایی کردن قانون معلولان چیست؟**

#### ■ معینی:

به نظر من، این قانون می تواند به ۲ شکل اجرا شود: اول این که نهادهای غیردولتی را پیش بینی کنیم که بتوانند بر کار دستگاههای اجرایی نظارت کنند. دوم، اقداماتی است که سازمان های دولتی باید انجام دهند. پیشنهاد من در این باره، تشکیل ستاد هماهنگی برای پیگیری قانون جامع حمایت از حقوق معلولان است. باید در این ستاد گروههای مختلف معلولان حضور داشته باشند و همین مباحثی را که ما مطرح کردیم پیگیری کنند. فکر می کنم این ستاد بهتر است در تیر ماه تشکیل شود و تا آبان ماه که زمان بستن بودجه در سازمان مدیریت است، هریک از کمیته های آن، در یک سازمان یا وزارتخانه در مورد بودجه آن نهاد در رابطه با معلولان رایزنی کنند. من، به عنوان یک مسئول دولتی، قول می دهم که اگر این ستاد تشکیل شود، تا جایی که در توان دارم با همکاری بهزیستی، حمایت های لازم را از آن داشته باشم.

#### ■ دشتی:

صحبت هایی که مطرح شد کاملاً درست است، اما من فکر می کنم بهتر باشد کمی هم به تشکل های غیردولتی حق بدهیم. زیرا تلاش همین تشکل ها منجر به شکل گیری قانون شده است.

به هر حال، من این نوید را می دهم که در حال حاضر میثاق نامه ای تنظیم شده که نهادهای غیردولتی در حوزه معلولان در حال پیوستن به آن هستند. ما امیدواریم با این کار، همه این نهادها، بالاخره یک روز گردهم بیایند و با گرفتن تصمیمات اساسی و تقسیم وظایف، از کارهای موازی و تکراری جلوگیری کنند.

#### ■ کمالی:

شاید همه صحبت ها به این نکته ختم شد که شاه کلید اصلی این موضوع، در دست تشکل های غیردولتی است. البته یک سری پیش زمینه هایی نیاز است که یکی از آنها توانمند شدن و آگاه سازی آن جی اوها از قانون است. مورد دیگر، توانمندسازی و آگاه کردن جامعه است که این کار را هم باید تشکل های غیردولتی انجام دهند. یعنی این باور را در مردم و بویژه مسئولان ایجاد کنند که معلولان در صحنه هستند. به نظر من، حل مشکل معلولان از توانمندسازی خود آنها و تشکل هایشان شروع می شود و به مرحله ای که آقای نجفی اشاره کردند، یعنی شکایت ختم می شود.

به هر حال امیدواریم این قانون علی رغم همه نواقص با رهنمودهایی که دوستان مطرح کردند، به مرحله اجرا دربیاید و پیوستن به کنوانسیون حمایت از معلولان نیز به زودی به تصویب مجلس برسد.



دکتر محمد کمالی (استاد دانشگاه)



محمدرضا دشتی (نماینده مؤسسه حمایت سبز پارسیان)



محمد مقدم (نماینده انجمن باور)



سهیل معینی (نماینده وزارت رفاه)



ابوالقاسم نجفی (نماینده بهزیستی)

کسی کاری با من ندارد

و خیالم را آب و جارو نمی کند.

کسی با دیدنم

به پهنای سبز خواستن

و ارتفاع سفید بودن

نمی رسد.

من فوت می شوم

قاصدکانه

از لبه یک نگاه سنگی

به لبه ای دیگر.

کسی از خوابهای شبانه ام

بالا نمی رود

و در دفتر روزانه ام

واژه ای نمی باشد و

طرحی قالب نمی کند.

کسی نمی داند

من هر روز دشت دشت

شقایق می چینم

و دریا دریا

عشق می نوشم

دزدانه

از روزنه خدا.

کسی می داند آیا

سهم من از بهشت

پیمانه ای خواهد شد یا نه؟

\* رؤیا حاج حسینیلو